



## Progressive Aspect in Bala-Geriveh Lori

Seyed Hamzeh Mousavi<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Foreign Languages, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran. E-mail: [mousavi.hamzeh@shahroodut.ac.ir](mailto:mousavi.hamzeh@shahroodut.ac.ir)

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 1 August 2021

**Received in revised form:**

3 December 2021

**Accepted:** 11 December 2021

**Available online:** 21 March 2022

#### Keywords:

Bala-Geriveh Lori, stative predicates, perfective processes, progressive aspect, trajectory, Langacker.

### ABSTRACT

This paper attempts to investigate the progressive aspect in Bala-Geriveh Lori /lɔri/ based on Cognitive Grammar Approach (Langacker, 1982). In this dialect, the auxiliary *ha*, derived from *hase* 'to want', is used for making present progressive while past progressive is made by the morpheme *he*. Hence, this paper investigates why the use of the verb *hase* as an auxiliary is limited. For doing this research, 820 sentences were collected from villages around Khorramabad. Then the data was analysed using a descriptive-analytical method based on Cognitive Grammar (Langacker, 1982). The data demonstrated that each morpheme has specific functions because *ha* assigns progression to the action, whereas *he* is used for the duration or repetition of an action. Meanwhile, both morphemes are used for making imperfective processes. Unacceptance of negation, acceptability of making present perfect progressive out of stative predicates, and simultaneous use of both morphemes in a sentence are among their important idiosyncratic features.

---

**Cite this article:** Mousavi, S. H. (2022). Progressive Aspect in Bala-Geriveh Lori. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (1), 37-58.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6746.1568

---



## وضعیت نمود استمراری در گویش لری بالاگریوه

سید حمزه موسوی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. رایانامه: [mousavi.hamzeh@shahroodut.ac.ir](mailto:mousavi.hamzeh@shahroodut.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نوشته‌ار پیش رو نمود استمراری در گویش لری بالاگریوه را برپایه رویکرد دستور شناختی (لانگاکر، ۱۹۸۲؛ ۲۰۰۱) بررسی کرده است. در گویش لری بالاگریوه، زمان حال استمراری با استفاده از تکواژ *ha* که برگرفته از فعل *hase* «خواستن» است، ساخته می‌شود و برای ساخت گذشته استمراری از تکواژ *he* استفاده می‌شود. به این ترتیب، دلایل محدود شدن کاربرد فعل کمکی *hase* برای ساخت حال استمراری مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای انجام این پژوهش، (۸۲۰) جمله نمونه از روستاهای اطراف خرم‌آباد جمع‌آوری شده و برای تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی برپایه دستور شناختی استفاده شده است. داده‌ها نشان داده‌اند که هر تکواژ کاربرد متفاوتی دارد، زیرا تکواژ *ha* بر وقوع رویداد یا عملی در زمان حال دلالت دارد، در حالی که *he* بیان استمراری یا تکرار عمل به‌کار می‌رود؛ افزون بر این، هر دو تکواژ برای تولید فرایندهای ناقص از محمول‌های کامل استفاده می‌شوند؛ همچنین، نفی ناپذیری، استمراری‌پذیری محمول ایستا به‌صورت حال کامل و کاربرد هم‌زمان هر دو تکواژ در برخی از صورت‌های زمان حال از جمله ویژگی‌های منحصربه‌فرد ساختار استمراری در گویش لری بالاگریوه است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۲ آذر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ آذر ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ فروردین ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

لری بالاگریوه،

محمول‌های ایستا،

فرایند کامل،

نمود استمراری،

نمانگاری،

لانگاکر.

استناد: موسوی، سید حمزه (۱۴۰۱). وضعیت نمود استمراری در گویش لری بالاگریوه. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های

غرب ایران، ۱۰ (۱)، ۳۷-۵۸.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.6746.1568

## ۱- مقدمه

در خرم‌آباد، مرکز استان لرستان که در دره کوه‌های زاگرس واقع شده است، دو گویش لری خرم‌آبادی<sup>۱</sup> و لری بالاگریوه<sup>۲</sup> به کار می‌روند. گویش لری خرم‌آبادی بیشتر در مرکز و مناطق شمالی شهر به کار می‌رود، در حالی که بیشتر مردمان مناطق جنوبی و روستاهای اطراف شهر به گویش بالاگریوه سخن می‌گویند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۹۳).

گویش لری بالاگریوه در مقایسه با لری خرم‌آبادی تمایل بیشتری به حفظ ساختارهای کهن داشته است. یکی از این ساختارها نمود استمراری است که در لری بالاگریوه با استفاده از فعل کمکی *hase* «خواستن» ساخته می‌شود، در حالی که لری خرم‌آبادی، تحت تأثیر زبان فارسی، همین ساختار را با استفاده از فعل کمکی *dašte* «داشتن» می‌سازد (سلیمانی و حقیقین، ۱۳۹۵؛ ضیا مجیدی و حقیقین، ۱۳۹۷) نوشتار پیش رو می‌کوشد با نگاهی عمیق‌تر به نمود استمراری در لری بالاگریوه بنگرد تا برخی از زوایایی را که از نظرها دور مانده آشکار سازد؛ برای مثال، سلیمانی و حقیقین (۱۳۹۵: ۲۵۵) اشاره می‌کنند که فعل کمکی *hase* برای ساخت نمود ناکامل استمراری به کار می‌رود و نقشی مشابه «داشتن» در زبان فارسی دارد. آن‌ها همچنین بیان کرده‌اند که «برای نشان دادن نمود ناکامل از زمان حال کامل، از *ha* در زمان حال و از *he* در زمان گذشته استفاده می‌شود.» پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا در زمان حال از *ha* که ستاک مضارع از مصدر *hase* است، استفاده می‌شود؛ ولی در گذشته به جای استفاده از ستاک ماضی، یعنی *has* از *he* استفاده می‌شود؟ ماهیت این دو عنصر در ساخت‌های استمراری چیست؟

در پژوهش حاضر تلاش بر این است که نمود استمراری در گویش لری بالاگریوه با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی بررسی شود. برای انجام این تحلیل از رویکرد دستورشناختی (لانگاکر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۱) استفاده شده است. داده‌های پژوهش از روستاهای اطراف خرم‌آباد (دارایی، دیناروند و ده‌محسن) جمع‌آوری شده که شامل (۸۲۰) جمله نمونه است. داده‌ها از گروه‌های سنی مختلف جمع‌آوری شده و سپس با دانش زبانی شرکت‌کنندگانی که برپایه قواعد NORMS گویش‌شناسی، یعنی مردان کم‌سواد بالای هفتاد سال، انتخاب شده‌اند، مقایسه شده است.

1. məu mikem
2. kenem nekenem
3. R. W. Langacker

## ۲- نمود

نمود را نخستین بار یونانیان بررسی کرده‌اند و به نظر می‌رسد آن‌ها می‌دانسته‌اند که افزون بر زمان دستوری مقولهٔ دیگری وجود دارد که امروزه نمود نامیده می‌شود؛ اما معادل انگلیسی عبارت «نمود» یعنی aspect برگرفته از آثار زبان‌شناسانی است که بر روی زبان‌های اسلاوی پژوهش می‌کردند. در این زبان‌ها تمایز بین نمود کامل<sup>۱</sup> و ناقص<sup>۲</sup> بسیار آشکار است؛ برای نمونه، فعل‌های Cital و pročital هر دو به «او خواند» ترجمه می‌شوند؛ اما مورد نخست دارای نمود کامل است و دومی نمود ناقص دارد (بینیک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). ظهور و بروز «نمود» در زبان‌های انگلیسی و فارسی چندان مشخص نیست و تعریف‌های متعددی نیز برای آن وجود دارد.

کمری<sup>۴</sup> (۱۹۷۶: ۳) نمود را «روش‌های مختلف نگاه‌کردن به موقعیت‌های زمانی» دانسته است و کلاین<sup>۵</sup> (۱۹۹۴: ۹۹) آن را معادل شیوه‌ای دانسته که «زمان موقعیت به زمان موضوعه ربط داده می‌شود<sup>۶</sup>». نمود را می‌توان از زمان دستوری بازشناخت چنان‌چه دو جملهٔ «داشتم به مدرسه می‌رفتم» و «به مدرسه رفتم» هر دو در زمان گذشته روی داده‌اند، اما فقط مورد نخست دارای نمود استمراری است.

نمود می‌تواند آشکار (نوع عمل<sup>۷</sup> و نمود دستوری) یا پنهان (نمود واژگانی<sup>۸</sup>) باشد (سالابری و آیون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). کمری (۱۹۷۶) ابراز داشته که نمود دستوری با نوع عمل تفاوت دارد، زیرا نمود به صورت دستوری شده درآمده، درحالی که نوع عمل واژگانی شدگی تمایزات است. سالابری و آیون (۲۰۰۵) نمود واژگانی را معنای واژگانی درون فعل تعریف کرده که شامل معنای موضوعات درونی و بیرونی می‌شود. آن‌ها انواع این تقسیم‌بندی را در جدول (۱) ارائه داده‌اند:

1. Perfective
2. Imperfective
3. R. I. Binnick
4. B. Comrie
5. W. Klein

۶. کلاین تمایز بین زمان موقعیت (Time of Situation) و زمان موضوعه (Topic Time) را با استفاده از مثالی مشخص می‌کند؛ برای نمونه، وی گزارهٔ «لامپ روشن بود» را در نظر می‌گیرد و بیان می‌دارد که زمان موقعیت، زمانی است که لامپ روشن بوده و زمان موضوعه، دلیلی است که این ادعا بیان شده است.

7. Aktionsart
8. Lexical aspect
9. R. Salaberry & D. Ayoun

جدول (۱). سه طبقه مختلف نمود (سالابری و آیون، ۲۰۰۵: ۳)

نمود واژگانی	نوع عمل	نمود دستوری
واژگانی	واژگانی	دستوری شده
نظام‌مند نیست	نظام‌مند نیست	نظام‌مند است
اجباری	اختیاری	اجباری
جهانی	وابسته به زبان	وابسته به زبان
پنهان	آشکار	آشکار

کمری (۱۹۷۶: ۲۵) در تقسیم‌بندی دیگری نمود را به طبقات موجود در نمودار (۱) تقسیم کرده که در آن نمود استمراری زیرمجموعه طبقه تداومی و نمود ناقص قرار گرفته است.



نمودار (۱). طبقه‌بندی تقابل‌های نمودی

لیچ<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نمود استمراری را به رویدادهایی موقتی نسبت داده که غالباً ممتد هستند و در بازه زمانی محدودی روی داده و چارچوب زمانی خاصی را تداعی می‌کنند؛ همچنین، نرس<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) آن را تداوم عمل در اطراف نقطه زمانی خاصی دانسته و بیان کرده که میزان تنوعش به زبان مورد بررسی وابسته است.

در زبان فارسی نیز رضایی (۱۳۹۱) بیان داشته که استمرار را می‌توان به دو صورت بیان کرد: الف: پیشوند می-؛ ب: فعل کمکی «داشتن»؛ سپس وی نظر زبان‌شناسان مبنی بر تداومی بودن می- را رد کرده و نشان داده که این وند محدود به استمرار نیست و ممکن است معنای تکرار یا عادت نیز داشته باشد؛ همچنین، معنای استمرار برای پیشوند می- را ضعیف دانسته و اظهار داشته که اگر گویشوران بخواهند بر معنای استمرار تأکید کنند، از فعل کمکی «داشتن» استفاده می‌کنند و کاربرد آن را بیشتر به گویش محاوره‌ای نسبت می‌دهد.

در زبان کردی موکریانی، ویسی حصار (۱۳۹۴) نشان داده که پیشوند -dæ به فعل متصل شده و

نمود ناقص و به تبع آن صورت استمراری پدید می‌آورد. در این زبان تنها مراحل آغازین افعال بازنمایی می‌شود و مراحل پایانی آن در نظر گرفته نمی‌شود. نکته اینکه این پسوند از صورت‌های حال مجزاً نیست؛ ولی به صورت‌های گذشته اضافه شده و صورت استمراری می‌سازد.


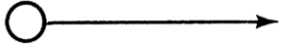

ضیامجیدی و حقیبن (۱۳۹۷) به توصیف نمود در گویش‌های مختلف لری براساس رویکردی رده‌شناختی و شناختی پرداخته و نمودهای متکامل، نامتکامل و کامل را بررسی کرده‌اند. آن‌ها اشاره می‌کنند که حال استمراری در لری بالاگریوه با استفاده از ha ساخته می‌شود و نشان می‌دهند که لری بالاگریوه صورت کهن خود را حفظ کرده، ولی لری خرم‌آبادی تحت تأثیر زبان فارسی قرار داشته چنانچه در این زبان صورت ha به‌ندرت به‌کار می‌رود و با فعل «داشتن» جایگزین شده است.

### ۳- رویکرد دستورشناختی به نمود

رویکرد شناختی به مطالعه زبان در دهه هفتاد میلادی آغاز شده و در دهه هشتاد بسیار فعال بوده است. بخش اعظم این حوزه به معناشناسی پرداخته، ولی به حوزه‌های دستور، صرف، آواشناسی و حتی زبان‌شناسی تاریخی نیز گسترش یافته است (کرافت و کروز، ۲۰۰۴). آن‌ها سه فرضیه را چراغ راه رویکرد شناختی دانسته‌اند: الف: زبان توانایی شناختی خودمختار نیست؛ ب: دستور شناخت‌سازی است و پ: دانش زبانی از کاربردهای زبانی سرچشمه می‌گیرد.

از میان رویکردهای شناختی، دستورشناختی به تعریف نمود پرداخته است. لانگاکر (۱۹۸۲) نمود را نوعی مسیر در نظر می‌گیرد و به اصطلاح آن را «نمانگار<sup>۲</sup>» می‌داند و برای مقایسه دیدگاه نمانگار با دیدگاه سنتی، شکل‌های زیر را ترسیم کرده است.

جدول (۲). مقایسه دیدگاه سنتی و نمانگار به مقوله نمود دستوری (لانگاکر، ۱۹۸۲)

فرایندها	دیدگاه نمانگر	دیدگاه سنتی
فرایندهای کامل		... ————— ...
فرایندهای ناقص		—————
حالت		

بنابراین، در فرایندهای کامل معمول دارای «نمانگاری کامل<sup>۳</sup>» است و مسیر را به‌طور کامل نشان

1. W. Croft & D. A. Cruse
2. Trajectory
3. Full trajectory

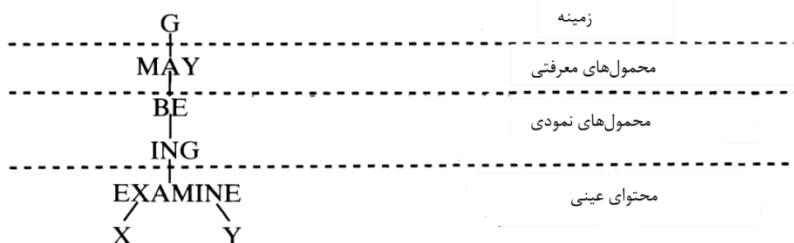
می‌دهد، در حالی که نمانگاری در محمول‌های ناقص و ایستا<sup>۱</sup> تمام مسیر را به‌طور کامل نشان نمی‌دهد و ناقص است.

لانگاکر (۱۹۸۲) نمانگاری کامل را فرایندی می‌داند که در گذر زمان تغییر می‌کند و از این رو دارای امتداد زمانی غیر صفر بوده و در رابطه با بُعد یا ابعاد دیگر، ارزش‌هایی چندگانه به خود می‌گیرد. توزیع این ارزش‌ها در گذر زمان را می‌توان «تغییر» نام نهاد؛ برای مثال، اگر فعل «زدن» را در نظر بگیریم، در معنای پایه [الف ب را می‌زند] تعیین‌کننده حرکت فیزیکی «الف» است که به برخورد و تماس فیزیکی بین «الف» و «ب» منجر می‌شود. حرکت مکانی «الف» به این معناست که «الف» نقاط مجزا و به‌هم‌پیوسته‌ای را در گذر زمان اشغال می‌کند. این نمونه و نمونه‌های مشابه به نمود واژگانی اشاره دارند. از آنجاکه نمانگاری «زدن» موقعیت گذار از عدم تماس به تماس را توصیف می‌کند، محمول «زدن» دارای گذار زمانی مثبت است. باید دقت داشت که افزون بر زمان، بُعد مکان نیز در این نمانگاری دخیل است و ارزش‌های چندگانه‌ای دارد؛ چون شامل جاهای مختلف «الف» در رابطه با «ب» هستند که در طول زمان توزیع شده‌اند. از آنجاکه نمانگاری «زدن» نسبت به زمان و مکان دارای گذار مثبت است، نمانگاری آن کامل است؛ بنابراین «زدن» محمولی کامل است.

وی در ادامه فرایند ناقص را حالتی پنداشته که از لحاظ زمانی گسترده‌تر است. محمول ایستا نوعی پیکربندی را توصیف می‌کند که با یک نقطه زمانی در ارتباط است؛ بنابراین نمای زمانی صفر دارد. منظور این است که هر سطح مقطعی از نمود ناقص را به‌صورت تصادفی برگزینیم حاصل فرایندی ایستا خواهد بود (لانگاکر، ۲۰۰۱).

لانگاکر (۱۹۸۲) افزون بر نمود واژگانی، نمود بندها را نیز بررسی کرده و یکی از مهم‌ترین اجزاء بندها را فعل کمکی دانسته که باید رابطه‌اش با فعل اصلی بررسی شود؛ برای نمونه، وی X may be examining Y را بررسی کرده و جدول (۳) را برای آن ارائه داده است:

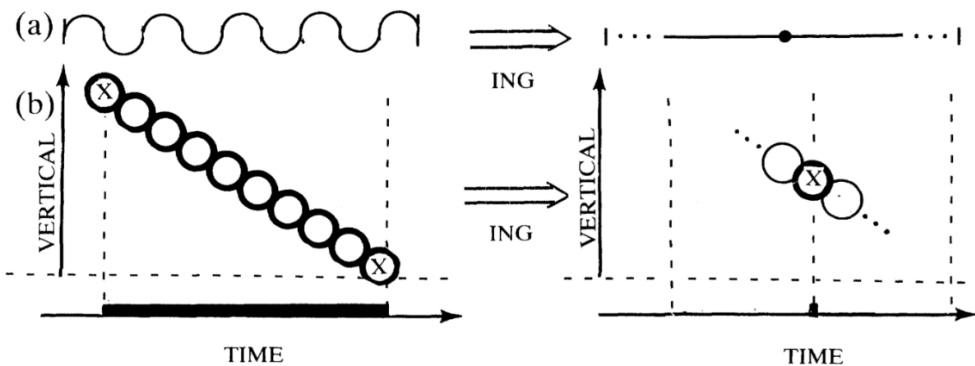
جدول (۳). رابطه بین نمود دستوری و نمود واژگانی (لانگاکر، ۱۹۸۲: ۲۷۸)



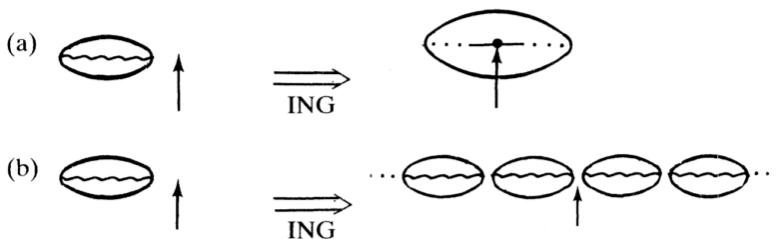
برای نمونه، لانگاکر فعل‌های کمکی زبان انگلیسی را به دو دسته تقسیم کرده است: معرفتی و نمودی. وی ابراز داشته که کاربرد اصلی محمول‌های نمودی برای تنظیم نمای محتوای عینی است. در مسیر معرفتی، محمول‌های نمودی توالی پیوسته‌ای را نزدیک به سطح محتوای عینی می‌سازند. در زبان انگلیسی ING می‌تواند بر روی محمول‌های کامل تأثیر بگذارد و آن‌ها را ناقص کند. برای نمونه، با در نظر گرفتن مثال‌های (۱) می‌توان نمونه‌ای از محمول‌های کامل را تصور کرد که تحت تأثیر ING قرار گرفته‌اند (لانگاکر، ۱۹۸۲: ۲۸۱).

- (1) a. The inspectors are examining our house.
- b. Joe is eating his lunch.
- c. Richard is filling a bathtub with a hose.
- d. My canary is studying Greek.
- e. The plane is falling.

محمول نمودی ING بر روی این افعال به دو شکل تأثیر می‌گذارد. در این حالت ING بر روی افعال (1a,b,c,d) دیدگاهی درونی اعمال می‌کند. این افعال در ابتدا کامل بوده و دارای آغاز و پایان مشخص هستند؛ ولی هنگامی ING بر آن‌ها اعمال می‌شود نقطه‌ای از نقاط آن انتخاب شده است هر چند نقاط مختلف موجود در یک فرایند کامل باهم قابل معاوضه نیستند.



نمودار (۲). تأثیر ING بر روی افعال دسته اول (لانگاکر، ۱۹۸۲: ۲۸۱)

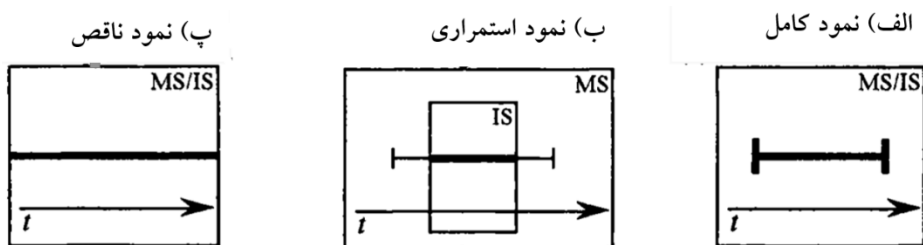


نمودار (۳). تأثیر ING بر روی افعال دسته دوم (لانگاکر، ۱۹۸۲: ۲۸۳)



نمودار (3a) معادل نمودار (2a) است به طوری که علامت پیکان نشان‌دهنده کانون توجه است و ING آن را به یک نقطه اختیاری واحد محدود کرده است. نمودار (3a) نشان می‌دهد که اگر فرآیند کامل به اندازه کافی دارای طول زمانی باشد، افزوده شدن ING چگونه آن را ناقص می‌کند. نمودار (3b) جایگزین تکرار فرایند محدود است و از مجموعه بی‌شماری از نمانگارهای کامل تکراری، فرایندی ناقص می‌سازد. در این حالت، ساختار حاصل به یک ساختار حالتی تبدیل شده و فعل BE می‌تواند بر آن اعمال شود.

لانگاکر (۲۰۰۱) تمایز بین نمود کامل و ناقص را مشخص کرده و نشان می‌دهد که بین نمود واژگانی ناقص و نمود ناقص دستوری که در اثر افزوده شدن تکواژ استمراری ناقص شده تمایزی وجود دارد. این تمایز در نمودار (۴) آورده شده است:



نمودار (۴). تمایز بین نمود کامل، ناقص و استمراری (لانگاکر، ۲۰۰۱: ۱۲)

نمود استمراری، گرچه خود ناقص است، اما محمولی که در آن قرار گرفته بازنمایی فرایندی کامل بوده است.

#### ۴- نمود استمراری در لری بالاگریوه

نمود استمراری در فارسی امروز با افزودن پیشوند می- یا صورت حال و گذشته فعل «داشتن» به فعل اصلی ساخته می‌شود. در زبان فارسی فعل «داشتن» دستوری شده و برای بیان استمرار به کار می‌رود. این روند در لری بالاگریوه بسیار متفاوت است و به نظر می‌رسد که فعل *hase* «خواستن» دستوری شده و نقش استمراری را به عهده گرفته است. باید دقت داشت که در لری بالاگریوه دیگر پیشوند می- به فعل اصلی متصل نمی‌شود.

همان‌طور که کلاین (۱۹۹۴) اشاره کرده، نمود را نمی‌توان مجزا از زمان دستوری بررسی کرد، از این رو ابتدا نمود استمراری را در زمان حال بررسی می‌کنیم و سپس به نمود استمراری در زمان گذشته می‌پردازیم.

## ۴-۱- نمود استمراری در زمان حال

در گویش لری بالاگریوه، صورت غیر صرفی ha به همراه صورت صرفی فعل اصلی به کار می‌رود. صورت استمراری فعل nevište «نوشتن» در جدول (۴) آمده است:

جدول (۴). زمان حال استمراری در لری بالاگریوه

فارسی	لری بالاگریوه
دارم می‌نویسم	ha nevis-em
داری می‌نویسی	ha nevis-i
دارد می‌نویسد	ha nevis-e
داریم می‌نویسیم	ha nevis-im
دارید می‌نویسید	ha nevis-it
دارند می‌نویسند.	ha nevis-en

برخلاف فارسی، در لری بالاگریوه فقط فعل اصلی صرف می‌شود و فعل «خواستن» به صورت ستاک مضارع به کار می‌رود؛ اما معنای ساختار منحصر به تکواژ دستوری شده (چه به صورت فعل کمکی و چه وند) نیست؛ بلکه تعامل آن با فعل اصلی نیز باید در نظر گرفته شود؛ بنابراین، نوع فعل بر معنای کلی ساختار تأثیر می‌گذارد. انواع محمول‌ها را لانگاکر (۱۹۸۲ و ۲۰۰۱) به سه دسته تقسیم کرده است: ایستا، کامل و ناقص. محمول‌های ایستا همچون «دوست داشتن» و «دانستن» در لری بالاگریوه به همراه تکواژ ha به کار نمی‌روند.

(2) a. \*ha dus-ef dar-em.  
PROG like-him/her want.PRT-1SG

\*دارم دوستش دارم.

b. \*ha dōn-em tʃi gu-y  
PROG know.PRT-1SG what say.PRT-2SG

\*دارم می‌دانم چه می‌گویی.

از سوی دیگر، لانگاکر (۱۹۸۲) فعل‌هایی که آغاز و پایان مشخص دارند را کامل در نظر گرفته است. براساس این تعریف، فعل‌هایی همچون nevište «نوشتن»، hærd «خوردن»، dōwese «دویدن»، iftade «افتادن» و tuqese «ترکیدن» محمول‌هایی کامل هستند؛ زیرا آغاز و پایان این فرایندها مشخص است.

(3) a. dævæt-name-yan ha nevis-en  
invitation-letter-PL PROG write.PRT-3PL

دعوت‌نامه‌ها را دارند می‌نویسند.

- b. nefes-en-e                      ha      nʊ      hor-en  
sit.PRT-3PL-PERF                  PROG   bread   eat.PRT-3PL  
نشسته‌اند دارند غذا می‌خورند.
- c. ???nefes-en-e                    nʊ      ha      hor-en  
sit.PRT-3PL-PERF                  bread   PROG   eat.PRT-3PL  
نشسته‌اند نان دارند می‌خورند.
- d. nefes-en-e                      nʊ-en                      ha      hor-en  
sit.PRT-3PL-PERF                  bread-DA                  PROG   eat.PRT-3PL  
نشسته‌اند دارند نان را می‌خورند.
- e. ræt-e                                  min      həʊf      ha      dəʊw-e  
go.PRT.3SG-PERF                  inside   yard      PROG   run.PRT-3SG  
رفته است توی حیاط و دارد می‌دود.
- f. ketʊ-ef                              nia-ʔe                      ve      ləʊwe   miz  
book-his/her                      put.PRT.3SG-PERF                  in      edge   table  
ha      ift-e  
PROG   fall.PRT-3SG  
کتابش را که لبه میز گذاشته دارد می‌افتد.
- g. badbadæk-en      ziad      bad      kerd-i-ye                      ha  
balloon-DA                  much      wind      do.PRT-2SG-PERF                  PROG  
tuq-ye  
pop.PRT-3SG  
بادکنک را زیاد باد کرده‌ای، دارد می‌ترکد.

فعل *neviʃte* «نوشتن» با گرفتن قلم در دست، کشیدن آن روی کاغذ و تولید نمادهای نوشتاری همراه است. هنگامی که تکواژ *ha* به آن افزوده می‌شود (جدول ۴) این عمل ناقص می‌شود؛ زیرا عمل *ha nevis-e* به شخصی اشاره دارد که در حال کشیدن قلم بر روی سطح کاغذ است. فعل *nʊ hærd-e* «غذاخوردن» محمولی کامل است که با قراردادن غذا در قاشق و گذاشتن آن در دهان، جویدن و قورت‌دادن آن کامل می‌شود. قرارگرفتن *ha* باعث می‌شود که عمل غذاخوردن ناقص شود؛ زیرا عمل استمراری ممکن است به برشی از هر انقطاع زمانی بازگردد.

لازم به ذکر است که تغییر جای فعل کمکی *ha* بین اجزاء این فعل مرکب چندان خوش ساخت نیست، اما اگر *nʊ* به صورت معرفه بیاید، آنگاه معنای خوردن نان به خود می‌گیرد. فعل *dəʊwese* «دویدن» از حرکت‌دادن پای راست و چپ به سمت جلو و عقب و تکرار این عمل ساخته شده است. با افزودن *ha* عمل *ha dəʊwe* منقطع شده و نقطه توجّه در وسط عمل قرار گرفته است. فعل *iftade* «افتادن» به

عملی اشاره دارد که در طول زمانی خاص از نقطه‌ای به سمت پایین حرکت می‌کند و به پایین‌ترین سطح می‌رسد. تکواژ ha ifte فعل «افتادن» را در ha ifte ناقص می‌کند و در آن فعل به دو شکل رفتار می‌کند: الف: نقطه توجّه در ابتدای فرایند قرار می‌گیرد؛ ب: نقطه توجّه در وسط فرایند قرار می‌گیرد.

(4) a. oo barun-oo ha ift-e ser gænem-ya  
water rain-water PROG fall.PRT-3SG on wheat-PL

آب باران دارد روی گندم‌ها می‌افتد.

b. qoo æks-en gæn niya-y-e ha  
frame picture-DA bad put.PRT-2SG-PERF PROG

b- 3: ft-e

SUBJ-fall.PRT-3SG

قاب عکس را بد قرار داده‌اند دارد می‌افتد.

c. qoo æks ha ift-e  
frame picture PROG fall.PRT-3SG

قاب عکس دارد می‌افتد.

در مثال (4a) تکواژ ha ifte فعل «افتادن» را ناقص کرده و نقطه توجّه به زمانی که قطرات باران با گندم‌ها برخورد می‌کنند، محدود شده است؛ از سوی دیگر، در مثال (4c) ha ift-e در نقطه آغازین یا در هر انقطاع زمانی دیگری ممکن است رخ دهد. در مثال (4b)، قاب عکس در آستانه «افتادن» قرار دارد؛ ولی قاب هنوز نیفتاده است. لازم به ذکر است که در (4c) قاب می‌بایست حرکتش را شروع کرده باشد و به همین دلیل ترکیبش با موردی که هنوز قاب در آن نیفتاده، غیر دستوری است.

(5) a. qoo æks ha b- 3:ft-e væli hæni  
frame picture PROG SUBJ-fall.PRT-3SG but still

n-3:fta-?e

not-fall.PRT.3SG-PERF

قاب عکس دارد می‌افتد ولی هنوز نیفتاده است.

b. \*qoo æks ha ift-e væli hæni

frame picture PROG fall.PRT-3SG but still

n-3:fta-?e

not-fall.PRT.3SG- PERF

قاب عکس دارد می‌افتد ولی هنوز نیفتاده است.

فعل tuqese «ترکیدن» هم فعلی کامل است. این فعل بر فرایندی بسیار کوتاه‌تر از فعل iftade دلالت می‌کند، به این معنا که شروع و پایان انفجار ممکن است در کسری از ثانیه رخ دهد. افعالی همچون

«ترکیدن» را در تعریف دیگری لحظه‌ای<sup>۱</sup> نامیده‌اند. به هر ترتیب، این فعل به سه شکل ناقص می‌شود.

- (6) a. ha tuq-ye  
 b. ha bæ-tuq-ye  
 c. heys3: tuq-ye

مورد اول استفاده از ha و صورت ساده فعل است که فعل را در حالت آغازین قرار می‌دهد، زیرا مدت‌زمان ترکیدن بادکنک بسیار کوتاه است و در انقطاع زمانی دیگری نمی‌تواند قرار گیرد. در مورد دوم، یعنی استفاده از ha و صورت التزامی فعل، فاصله زمانی گفتن گزاره و پیش‌بینی انفجار مقداری بیشتر است. مورد سوم استفاده از heys3: (همین‌الآن) است که در آن فاصله زمانی گفتن گزاره و پیش‌بینی انفجار میان این دو ترکیب جای می‌گیرد.

اگر حال کامل (ماضی نقلی) در لری بالاگریوه به صورت جدول (۵) باشد، آنگاه می‌توان در هر مورد از آن‌ها حال کامل استمراری ساخت:

جدول (۵). حال کامل در لری بالاگریوه

لری بالاگریوه		فارسی	
got-m-e	ræt-m-e	رفته‌ام	گفته‌ام
got-i:-e	ræt-i:-e	رفته‌ای	گفته‌ای
got-e	ræt-e	رفته است	گفته است
got-im-e	ræt-im-e	رفته‌ایم	گفته‌ایم
got-it-e	ræt-it-e	رفته‌اید	گفته‌اید
got-en-e	ræt-en-e	رفته‌اند	گفته‌اند

در لری بالاگریوه، امکان ساخت حال کامل استمراری وجود دارد؛ اما برای ساخت این صورت فعلی، دیگر از فعل «خواستن» استفاده نمی‌شوند، بلکه با تکواژ he ساخته می‌شوند. به نظر می‌رسد این تکواژ با تکواژ «هی» در عبارت «هی می‌گفت آروم باش» هم‌ریشه باشد.

- (7) a. imeru hæmæ-ʃ he si: i: ɣeza  
 Toda all-it PROG for this food  
 poxt-m-e.  
 bake.PST-1SG-PERF

امروز همش داشته‌ام برای این (مرد/زن) غذا می‌پخته‌ام.

b. I dø si ru he hærd-e  
 this two three day PROG eat.PST.3SG-PERF  
 ø hofti-e.  
 and sleep.PST.3SG-PERF

این سه روز داشته (است) می خورده و می خوابیده (است).

اگر فعل‌هایی که در بخش قبل ذکر شد را در نظر بگیریم، می‌توانیم رفتار هر یک از آن‌ها را در زمان حال کامل نیز بررسی کنیم. در مورد فعل‌های ایستا همچون «دوست‌داشتن» گفتیم که در زمان حال به شکل استمراری به کار نمی‌روند و این مورد برای زبان‌های دیگر از جمله فارسی و انگلیسی در زمان حال کامل تکرار می‌شود. در لری بالاگریوه «دوست‌داشتن» در زمان حال کامل *dus dɑft-m-e* می‌شود که امکان افزودن تکواژ استمراری به آن وجود دارد.

(8) me tø-n he dus dɑft-m-e,  
 I you-OM PROG love have.PST-1SG-PERF  
 væli tø qæblæn me-n dus n-ɑft-i  
 but you before I-OM love NEG-have.PST-2SG

من تو را همیشه (به‌طور مداوم) دوست داشته‌ام ولی تو قبلاً مرا دوست نداشتی.

در این حالت، «دوست‌داشتن» به شکل حال کامل درآمده به این معنا که این دوست‌داشتن از گذشته بوده و هنوز هم ادامه دارد. تکواژ استمراری به آن افزوده شده تا نشان دهد که در این عمل مداومت وجود داشته است. به کار رفتن فعل «دوست‌داشتن» در لری بالاگریوه باعث شده که این فعل از صورت ایستا به فعلی که دوره‌های زمانی مختلفی داشته تبدیل شود و از این راه تکواژ استمراری را که برای نشان دادن مداومت است، دریافت کند.

همان‌طور که تا اینجا مشاهده شده، تکواژهای *ha* و *he* برای بیان فرایندهای مستمر به کار می‌روند؛ اما اگر به‌دقت به این فرایندها نگریسته شود، متوجه می‌شویم که *ha* به عملی که در حال وقوع است اشاره دارد، ولی *he* بر مدت‌زمان وقوع عمل دلالت دارد. اگر این گزاره درست باشد، پرسش این است که آیا *he* به همراه صورت ساده فعل می‌تواند فرایند ناقص یا استمراری بسازد؟

(9) a. ha dærs bøn-i:?  
 PROG lesson read.PRT-2SG  
 آیا داری درس می‌خوانی؟  
 b. he ha dærs bøn-i:?  
 PROG PROG lesson read.PRT-2SG  
 آیا داری درس می‌خوانی؟

c. hæni he ha dærs bøn-i:?  
Still PROG PROG lesson read.PRT-2SG

آیا هنوز داری درس می‌خوانی؟

برخلاف تصور اولیه که تکواژ *ha* را عامل استمرار می‌پنداشت، این تکواژ بیشتر به هم‌زمانی وقوع عمل و زمان ابراز آن بازمی‌گردد و البته در محمول‌های لحظه‌ای نقش آغازی نیز به خود می‌گیرد؛ از سوی دیگر، تکواژ *he* بیشتر بر استمرار عمل دلالت می‌کند، چنان‌چه در مثال (9b) تکواژ *he* بر مستمر بودن عمل و تکواژ *ha* بر وقوع عمل در زمان کنونی دلالت دارد. باید دقت داشت که گاهی ممکن است عملی مستمر باشد، ولی در زمان حال روی ندهد در این حالت فقط تکواژ *he* ظاهر می‌شود.

(10) a. aferi! he dærs-et bʊ.  
Bravo PROG lesson-your read.IMP

آفرین! مدام درست را بخوان.

b. \*aferi! he ha dærs-et bʊ.  
Bravo PROG PROG lesson-your read.IMP

c. A: d3: ser kar n3:-r-i: ?  
At-all to work NEG-go.PRT-2SG

دیگه سر کار نمیری؟

B: tʃera ha dærs bøn-em væli he  
Yes PROG lesson read.PRT-1SG but PROG  
kar-æm ken-em.  
work-too do-1SG

چرا! دارم درس می‌خوانم ولی (دارم) کار هم می‌کنم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، زمانی که به عملی مستمر امر می‌شود، فقط به‌همراه تکواژ *he* به‌کار می‌رود و تکواژ *ha* غیر دستوری است. در مثال (9c) هر دو بخش گزاره به‌صورت استمراری آمده‌اند؛ اما بخش نخست به وقوع رویداد در زمان حال اشاره می‌کند و بخش دوم بر مستمر بودن عمل دلالت دارد. به این ترتیب، با فعل *hærde* «خوردن» ساختارهای (۱۱) قابل مقایسه هستند.

(11) a. nʊ hor-i:  
Bread eat.PRT-2SG

غذا می‌خوری؟

b. ha nʊ hor-i  
PROG bread eat.PRT-2SG

داری غذا می‌خوری؟

- c. ha nʊ b-øʀ-i  
want bread SUBJ-eat-2SG  
می خواهی غذا بخوری؟
- d. he ha nʊ hor-i  
PROG PROG bread eat.PRT-2SG  
داری غذا می خوری؟
- e. hæni he ha nʊ hor-i  
still PROG PROG bread eat.PRT-2SG  
هنوز داری غذا می خوری؟
- f. he nʊ hor-i  
PROG bread eat.PRT-2SG  
مرتب غذا می خوری؟

مثال (11a) پرسشی در مورد آینده است، مورد (11b) بر آنچه در حال وقوع است تأکید می کند. باید دقت داشت که ha در مثال (11b) نشانه استمرار است، درحالی که در مثال (11c) معادل فعل «خواستن» است. (11e) بر استمرار بیش از حد عمل «خوردن» تأکید کرده است و مثال (11f) به استمرار عملی که پیش تر روندی مشخص داشته، اشاره دارد؛ اما پرسش این است که آیا تکواژ he دستوری است یا واژگانی؟ پاسخ اینکه این تکواژ فقط به همراه فعل به کار می رود و رفتاری مشابه تکواژ استمراری ha به خود می گیرد؛ برای نمونه، هرگاه این تکواژ در زمان گذشته به فعل افزوده می شود، همانند ha در زمان حال، نفی ناپذیر می گردد.

در حالی که در زبان فارسی فعل های «خواستن»، «توانستن» و «داشتن» استمراری نمی شوند، در لری بالاگریوه این موارد به همراه تکواژ استمراری ممکن است به کار روند.

- (12) a. I qelæm-en he dar-em  
This pen-OM PROG have.PRT-1SG  
این قلم را (به مدتی طولانی) داشته ام و هنوز آن را دارم.
- b. I qelæm-en hani he dar-em  
This pen-OM still PROG have.PRT-1SG  
این قلم را هنوز دارم.
- c. o qelæm-en ta perr  
that pen-OM till the-day-before-yesterday  
he daft-em  
PROG have.PST-1SG  
آن قلم را تا پرویز داشتم.



d. he ha-s rəʊ-ə ve tɪrɔ,  
 PROG want.PST-3SG SUBJ.go.PRT-3SG to Tehran  
 me nɜ:-ʃt-em  
 I NEG-let.PST-1SG

مدام می‌خواست به تهران برود، من نگذاشتم.

e. feker næ-ken-i yad-em  
 thought NEG-do.PRT-2SG mind-my  
 ræt-e, o gardevæn-en he  
 go.PST.3SG-PERF that necklace-OM PROG  
 ha-m  
 want.PRT-1SG

(یه موقع) فکر نکنی فراموش کرده‌ام، آن گردن‌بند را (مدام) می‌خواهم.

f. tɔ he tɔn-i/tones-i maʃi-n  
 you PROG can.PRT-2SG/can.PST-2SG car-OM  
 gel d-i:  
 keep SUBJ.do.PRT-2SG

تو می‌توانی/می‌توانستی ماشین را نگاه‌داری.

مواردی که ذکر شد بر استمرار در زمان حال دلالت داشت. در ادامه دیده می‌شود که تکواژ **he** چگونه در زمان گذشته صورت استمراری می‌سازد.

#### ۴-۲- نمود استمراری در زمان گذشته

گذشته استمراری نشان‌گر اعمالی است که در زمان گذشته مدتی ادامه داشته و با عملی دیگر منقطع شده است. در لری بالاگریوه از صورت «خواستن» در گذشته استمراری استفاده نمی‌شود، بلکه همانند حال کامل از تکواژ **he** به همراه صورت گذشته فعل اصلی استفاده می‌شود.

جدول (۶). گذشته استمراری فعل «رفتن»

فارسی	لری بالاگریوه
داشتم می‌رفتم	he ræt-em
داشتمی می‌رفتی	he ræt-i:
داشت می‌رفت	he ræt
داشتمیم می‌رفتیم	he ræt-im
داشتید می‌رفتید	he ræt-it
داشتند می‌رفتند	he ræt-en

نمی‌توان صورت گذشته فعل «خواستن» یعنی **has** را در گذشته استمراری به‌کار برد، بلکه زمان

گذشته به همراه تکواژ he ساخته می‌شود.

- (13) a. he ke mimon-ya uma-n me he  
 When that guest-PL came.PST-3PL I PROG  
 dærf-yan ʃøft-em.  
 dish-PL wash.PST-1SG

وقتی که مهمان‌ها آمدند، من داشتم ظرف‌ها را می‌شستم.

- b. he kevous berift-im ke di:-m  
 PROG Kebob grill.PST.1PL that see.PST.1SG  
 ʃæng-i væn-en  
 bullet-ashoot.PST-3PL

داشتیم (گوشت) را کباب می‌کردیم که متوجه شدم گلوله‌ای را شلیک کردند.

- c. \*has dærs væn.  
 Want.PST.3SG lesson study

داشت درس می‌خواند.

در مثال (13a)، فعل ʃøfte «شستن» محمولی کامل است که دارای مراحل است و تکواژ he به آن افزوده شده و آن را ناقص کرده است. انقطاع زمانی در جایی قرار گرفته که مهمان‌ها رسیده‌اند. در نمونه (13b) فعل برشتن فرایندی کامل را بازنمایی می‌کند که مراحل مشخص دارد و تکواژ he آن را ناقص کرده است. این انقطاع زمانی با شلیک شدن فشنگ همراه بوده است. مورد (13c) نشان می‌دهد که با استفاده از صورت گذشته فعل hase نمی‌توان گذشته استمراری ساخت.

محمول‌های کاملی همچون zede «زدن»، iftade «افتادن» و tuqese «ترکیدن» به همراه he در زمان گذشته به کار می‌روند.

- (14) a. væxti ke reses-em he  
 when that arrive.PST-1SG PROG  
 zæ mm ki:se boks  
 hit.PST.2SG inside bag box

وقتی که رسیدم داشت به کیسه‌بوکس ضربه می‌زد.

- b. he zæ mm di:var he-ke  
 PROG hit.PST.2G inside wall when-that  
 seda sey-ʊ verisa  
 sound dog-PL get-louder.PST.3SG

داشت به دیوار ضربه می‌زد که صدای سگ‌ها بلند شد.

در مثال (14a و b) فعل «زدن» که فرایندی کامل است بازنمایی اصابت بدن الف به بدن یا بدنه

شخص یا جسم ب است. تکواژ *he* باعث می‌شود بر روی تکرار این عمل تمرکز شود و یکی از این تکرارها در نقطه توجّه قرار گیرد.

فعل «افتادن» تاحدودی با فعل «زدن» در گذشته تفاوت دارد؛ برای نمونه، در یکی از برنامه‌های تلویزیون مجری برنامه هنگام ورود به صحنه، پایش لیز خورد و نزدیک بود روی زمین بیفتد. برای بیان این صحنه از عبارت (15a) استفاده شد.

(15) a.	<i>amu</i>	<i>puræng</i>	<i>niomad-e</i>	<i>has</i>
	uncle	Pourrang	NEG-come.3SG-PERF	want.PST.3SG
	<i>b-3:ft-e</i>			
	SUBJ-fall-3SG			
	عمو پورنگ نیامده داشت می‌افتاد.			
	<i>b.*amu</i>	<i>puræng</i>	<i>ni-omad-e</i>	<i>he</i>
	uncle	Pourrang	NEG-come.3SG-PERF	PROG
	<i>ifta</i>			
	fall.PST.3SG			

در زبان فارسی با افزودن فعل «داشتن» به محمول «افتادن»، می‌توان آن را در جایگاه آغازی قرار داد. این ترکیب در لری بالاگریوه با استفاده از ساختار استمراری به‌دست نمی‌آید و دلیل آن به لحظه‌ای بودن فعل «افتادن» بازمی‌گردد؛ زیرا تکواژ *he* فقط برای تولید ساختارهای مستمر به‌کار می‌رود و نه ساخت‌های آغازی.

در مورد فعل «ترکیدن» نیز همین وضعیت مشاهده می‌شود و نمی‌توان در زمان گذشته آن را به شکل استمراری درآورد. عبارت «چمدان داشت می‌ترکید»، «سرم داشت می‌ترکید» و «ماشین داشت می‌ترکید» همه دستوری هستند چون «داشتن» قابلیت تولید معنای آغازی دارد، اما در لری بالاگریوه نمی‌توان با تکواژ استمراری معنای آغازی ساخت؛ بلکه آن‌ها را می‌توان با استفاده از فعل کمکی *hase* به‌صورت ساخت آغازی درآورد.

(16) a.	<i>*ser-em</i>	<i>he</i>	<i>teræk-es</i>
	head-my	PROG	explode.PST-3SG
	<i>b. *tʃæmedʊ</i>	<i>he</i>	<i>tuq-es</i>
	suitcase	PROG	burst.PST-3SG
	<i>c.*maʃi</i>	<i>he</i>	<i>tuq-es</i>
	car	PROG	explode.PST-3SG

- (17) a. ser-em has bæ-teræk-ye  
 head-my want.PST.3SG SUBJ.explode-3SG  
 سرم داشت می ترکید.
- b. tʃæmedo has bæ-tuqi-ye  
 suitcase want.PST.3SG SUBJ-burst-3SG  
 چمدان داشت می ترکید.
- c. maʃi has bæ-tuqi-ye  
 car want.PST.3SG SUBJ-explode-3SG  
 ماشین داشت منفجر می شد.

موارد (۱۶) همگی صورت‌های استمراری هستند، اما چون در حالت استمراری معنای آغازی دریافت نمی‌کنند، غیر دستوری هستند. موارد (۱۷) صورت‌های التزامی هستند که به‌همراه فعل «خواستن» معنای آغازی به خود می‌گیرند و برخلاف صورت‌های استمراری می‌توانند عنصر منفی‌ساز نیز دریافت کنند.

یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های صورت مستمر در گویش لری بالاگریوه، نفی‌ناپذیری این ساختارها است؛ یعنی ساختارهایی که با استفاده از ha و he مستمر شده‌اند، عنصر منفی‌ساز دریافت نمی‌کنند.

- (18) a. \*ha kar ne-ken-em  
 PROG work NEG-do.PRT-1SG  
 b. \*he kar næ-kerd-em  
 PROG work NEG-do.PST-1SG
- (19) a. ha kar bæ-ken-em  
 Want work SUBJ-do-1SG  
 می‌خواهم کار کنم.
- b. ne-ha-(m) kar bæ-ken-em  
 NEG-want.PRT-1SG work SUBJ-do-1SG  
 نمی‌خواهم کار کنم.

اما ساختارهایی که با استفاده از ha و has و صورت التزامی فعل ساخته می‌شوند، نفی‌پذیر هستند.

## ۵- نتیجه‌گیری

در نوشتار پیش رو ساختارهای مستمر در گویش لری بالاگریوه برپایه‌ی دستور شناختی (لانگاکر، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۱) بررسی شد. برخلاف سلیمانی و حق‌بین (۱۳۹۵) و ضیامجیدی و حق‌بین (۱۳۹۷) که تکواژ ha را برای ساخت استمراری در زمان حال و he را برای ساخت صورت‌های مستمر در گذشته دانسته‌اند، نشان داده شد که کاربرد این دو تکواژ باهم متفاوت است چنان‌چه ha بر عملی دلالت دارد

که در حال وقوع است و *he* برای بیان عملی به کار می‌رود که مدت زمانی طول کشیده است. همچنین، نشان داده شد که ساختارهای استمراری در گویش لری بالاگریوه دارای مشخصه‌های منحصربه‌فرد<sup>۱</sup> هستند. نخست، ساختارهای مستمر چه در زمان حال و چه گذشته نفی‌ناپذیرند که این مشخصه مشابه زبان فارسی نیز هست. دوم، برخلاف زبان فارسی نمی‌توان از ترکیب تکواژهای استمراری و افعال لحظه‌ای ساختارهای آغازی ساخت.

ساختار به‌دست‌آمده، در زمان حال ممکن است آغازی باشد یا نباشد و در گذشته فقط با استفاده از *has* ساختارهای آغازی ساخته می‌شوند و نه تکواژ استمراری *he*. سوم، هرچند در زمان حال و گذشته در گویش لری بالاگریوه، همانند دیگر زبان‌ها، تکواژهای *ha* و *he* به‌همراه افعال ایستا به کار نمی‌روند، اما ساختار کامل استمراری از افعال ایستا امکان‌پذیر است و به نظر می‌رسد که ماهیت افعال ایستا در زمان حال کامل تغییر کرده است؛ همچنین، به کار بردن تکواژهای *ha* و *he* به‌همراه محمول‌های کامل باعث ناقص شدن ساختار آن‌ها می‌شود. درنهایت، فعل‌هایی همچون «خواستن»، «داشتن» و «توانستن» در فارسی به صورت استمراری به کار نمی‌روند؛ ولی در لری بالاگریوه به‌همراه تکواژ استمراری به کار رفته و معنایی خاص به خود می‌گیرند.

## منابع

- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۹۳). قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران. تهران: آگه.
- رضایی، والی (۱۳۹۱). نمود استمراری در فارسی معاصر. *فنون ادبی*، ۴ (۱)، ۷۹-۹۲.
- سلیمانی، آرزو و فریده حقیب (۱۳۹۵). زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه. *جستارهای زبانی*، ۷ (۲)، ۲۴۵-۲۶۲.
- ضیا مجیدی، لیلا و فریده حقیب (۱۳۹۷). نمود فعل در زبان لری و گونه‌های آن. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۶ (۲۲)، ۹۳-۱۱۰.
- ویسی حصار، رحمان (۱۳۹۴). زمان و نمود در کردی موکریانی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲ (۸)، ۱۰۱-۱۲۴.

## References

- Aman-Ollahi Baharvand, E. (1991). *The Lor race*. Tehran: Agah Publishers (In Persian).

- Binnick, R. I. (1991). *Time and the verb: A guide to tense and aspect*. Oxford: Oxford University Press.
- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. & Cruse, D. A. (2004). *Cognitive linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Klein, W. (1994). *Time in language*. London: Routledge.
- Langacker, R. W. (1982). Remarks on English aspect. In P. J. Hopper, *Tense-aspect: Between semantics and pragmatics*. (pp. 265-304). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Langacker, R. W. (2001). Cognitive linguistics, language pedagogy, and the English present tense. In M. Piütz (ed.), *Applied cognitive linguistics: I Theory and language acquisition*. (pp. 3-39). Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Leech, G. (2004). *Meaning and the English verb*. London/New York: Routledge.
- Nurse, D. (2008). *Tense and aspect in Bantu*. Oxford: Oxford University Press.
- Rezai, V. (2012). The progressive aspect and its manifestations in contemporary Persian. *Literary Arts*, 4(1), 79-92 (In Persian).
- Salaberry, R. & Ayoun, D. (2005). The development of L2 tense-aspect in the Romance languages. In D. Ayoun & R. Salaberry (eds.), *Tense and aspect in Romance languages*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Soleimani, A. & Haghbin, F. (2016). Tense and aspect in Bala-Gueriveh Luri. *Language Related Research*, 7(2), 245-262 (In Persian).
- Veisi Hesar, R. (2015). Tense and aspect in Kurdish. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 2(8), 101-124 (In Persian).
- Ziamajidi, L. & Haghbin, F. (2018). Aspectual system in Luri and its dialects. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 6(22), 93-110 (In Persian).

## پیوست‌ها

## پیوست (۱). علائم اختصاری

1	First person	DA	Definite Article
2	Second person	PRT	Present
3	Third person	PST	Past
SG	Singular	PERF	Perfective
PL	Plural	IMP	Imperfective
OM	Object marker	NEG	Negation
SUBJ	Subjunctive	PROG	Progressive

## پیوست (۲). واج‌های به‌کاررفته در این مقاله

i	dir	دیر	i:	dir	دور
e	sel	سل	ɜ:	sɜ:l	نگاه کردن
æ	ʃær	شر	æ:	ʃæ:r	شهر
∅	∅	و	o	o	آن
ɑ	daʔɑ	مادر			

u:	nu:	نو	ʊ	nʊ	نان
oo	oo	آب	əʊ	nəʊ	نگو
ia	piɑ	مرد	eɪ	seɪ	سگ
p	pɑr	پارسال	b	bɑr	بار
t	tæŋg	تنگ	d	dæŋg	صدا
k	kæle	کله	g	gæle	گله
s	si:	سی	z	zi:	زود
ʃ	ʃæ:r	شهر	ʒ	ʒæ:r	زهر
m	mel	گردن	n	nɪɑ	گذاشت
tʃ	tʃæŋg	چنگ	dʒ	dʒæŋg	جنگ
ɾ	mɒɾ	مرغ	q	qæn	قند
h	hæl	کج	y	yek	یک
l	løri	لری	x	xowær	خواهر